

# دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، درس ششم، محیط جغرافیایی

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت © 2024

خب، صبح بخیر. آرامش مسیح با شما باد. و با شما ممنونم. بهش نیاز دارم. بیا به بار دیگه امتحانش کنیم. آرامش مسیح با تو باشه. و با تو

راستی، امروز آخر کلاس، می‌تونم شبات شالوم رو بهت تبریک بگم، که یه جورایی میشه گفت آرامش مسیح، و بعدش هم آخر کلاس، شبات شالوم، استراحت روز شنبه. آرامش روز شنبه، ببخشید. به

اطلاعیها توجه کن. شاید صحبت کردن در مورد امتحان خیلی الهام‌بخش نباشه

امیدوارم روز چهارشنبه روز فوق‌العاده‌ای داشته باشید. آیا چهارشنبه روز فوق‌العاده‌ای داشتید؟ بیرون بروید و از برف لذت ببرید؟ به خاطر این موضوع، باید کمی فشرده‌سازی انجام دهیم، چون می‌خواهم سعی کنم طبق برنامه پیش بروم. در واقع، یکی از دلایل من برای تلاش برای رعایت برنامه این است که واقعاً دوست ندارم. دوشنبه‌ها امتحان بدهم، چون این کار شما را مجبور می‌کند یکشنبه درس بخوانید

و اگرچه ممکن است به هر حال این کار را انجام دهید، من نمی‌خواهم دلیل آن باشم، چون من به نوعی اهل روز شنبه هستم. بنابراین، بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما به هر حال، می‌خواهم امتحان را جمعه برگزار کنم، و این دلیل من برای انجام آن است

بنابراین، ما در واقع سخنرانی‌هایی را که در مورد اسحاق یعقوب از یک سو و سپس یوسف است، فشرده خواهیم کرد. و همانطور که در ایمیل به شما گفتم، فکر می‌کنم این واقعاً کاملاً قابل انجام است، زیرا گمان می‌کنم اکثر شما روایت‌های یوسف را نسبتاً خوب می‌دانید. بنابراین، ما چند درس الهیاتی از آن خواهیم آموخت.

فرم امتحان، می‌توانید خودتان آن را بخوانید. من همیشه سعی می‌کنم از قبل کمی در مورد سوال انشا راهنمایی کنم. این یک امتحان ۱۰۰ نمره‌ای است و سوال انشا ۲۰ نمره دارد

و وقتی از قبل به شما می‌گویم که قرار است به چه چیزی پردازد، یعنی می‌خواهم مطالب واقعی را بخوانم. اگر کاملاً غیرمنتظره باشد، می‌توانید با کمی اغراق یا تظاهر به آن کنار بیایید. اما اگر از قبل می‌دانید که موضوع این است، لطفاً آماده شوید

بدانید که یانگ‌بلاد در مورد این مسائل چه می‌گوید. بدانید که ما در کلاس چه می‌گوییم. به مثال‌های کتاب مقدس فکر کنید

به این فکر کنید که چگونه در زندگی شما اعمال می‌شود، زیرا این موضوع، نیروی محرکه سوال خواهد بود. بنابراین از قبل برای آن آماده شوید. سپس، مجموعه‌ای از سیاست‌های امتحانی در بخش اطلاعاتی‌های تخته سیاه منتشر می‌شود

لطفاً به آنها نگاهی بیندازید، چون نکات مهمی در مورد اینکه اگر مانور آتش‌نشانی و غیره برگزار شود چه اتفاقی می‌افتد، وجود دارد. پس به آنها توجه کنید. اولین امتحان این کلاس همیشه کمی سرگرم‌کننده است، چون برخی از قوانین مربوط به محل برگزاری امتحانات است

به عبارت دیگر، آنها قرار است روی صندلی‌های شما باشند، و غیره، و غیره. و شما همیشه می‌توانید بفهمید چه کسی مرتباً از کلاس غیبت کرده و چه کسی توجه نکرده است، زیرا آنها وارد می‌شوند و نمی‌دانند چه کاری باید انجام دهند. بنابراین، می‌دانید، اگر قرار است جمعه آینده چنین اتفاقی بیفتد، می‌توانید کمی بدخلق باشید و به من لبخند بزنید.

می‌دانم کمی بی‌ادبانه است، اما ما با هم لبخند کوچک و خصوصی خودمان را خواهیم داشت. من امروز آواز نمی‌خوانم. به یک روز دیگر نیاز دارم.

اگر خدا بخواهد، دوشنبه سرود خواهیم خواند. اما می‌خواهم کمی وقت بگذارم و یک مزمور جغرافیای تاریخی را به شما معرفی کنم. تعداد زیادی از آنها وجود دارد.

اما این مورد مورد علاقه من است. ما قصد داریم کمی در مورد این مزمور صحبت کنیم، زیرا مقدمه یا مقدمه‌ای عالی برای سخنرانی امروز است. و البته، زمینه خوبی را برای دعا کردن با هم نیز به ما می‌دهد.

بنابراین، اگر کتاب مقدس خود را دارید و اگر علاقه‌مند به مراجعه به مزمور ۱۳۳ هستید، این کاری است که ما انجام خواهیم داد. یکی از دلایل من برای پرداختن به این مزمور این است که خواندن آن با هم بسیار عالی است. بنابراین، تا زمانی که این مزمور را یاد بگیریم، وقتی دوباره بتوانم صحبت کنم، دو مزمور خواهیم داشت که می‌توانیم هنگام شروع کلاس بخوانیم.

اما به هر حال، مزمور ۱۳۳، بفرمایید. این آیه‌ای است که در نهایت خواهیم خواند، باشه؟ چقدر خوب و دلپذیر است وقتی برادران و خواهران در اتحاد با هم زندگی می‌کنند. خب، بیایید کمی ادامه دهیم.

یه لحظه صبر کن. منظورم اینه که چه لذتی داره که یکی بیاد و روی سرت روغن بریزه؟ انگار خودم هم وقتی از دست خواهرم عصبانی بودم این کارو باهاش می‌کردم. به نظر یه نعمت نیما، نه؟ یا مثل این می‌مونه که خواهرها با هم متحد باشن؟ روغن گرانبهایی که روی سر ریخته می‌شه، روی ریش می‌ریزه، روی ریش هارون می‌ریزه، روی یقه رداش می‌ریزه.

بگذارید مزمور را تمام کنم و بعد چند نکته می‌گویم. در مورد موضوع نفت، چطور می‌خواهید آن را تفسیر کنید؟ دو سطح وجود دارد که می‌توانیم این را درک کنیم و هر دو بسیار مهم هستند. نظری دارید؟ مری؟ ببخشید، یک بار دیگر بگویید.

و به خصوص در مورد مسح چه کسی؟ منظور هارون است، اینطور نیست؟ و البته هارون کاهن اعظم است. او واسطه بین ما و خداست و البته مسح در آنجا از نظر دسترسی و رابطه ما با خدا اهمیت الهیاتی عمیقی دارد. در این مورد حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد.

چیز دیگری در مورد نفت؟ خب، می‌دانید، خودتان را به یک منطقه‌ی آب و هوایی بسیار گرم و خشک ببرید. شاید الان فکر خوبی باشد چون تازه از فضای باز آمده‌اید، اما اسرائیل آب و هوایی بسیار گرم و خشک دارد. در واقع، وقتی به برخی از آثار هنری مصر و مصر باستان نگاه می‌کنید، تصاویر سنگی حکاکی شده‌ای از افرادی وجود دارد که کاسه‌هایی از نفت را برای ریختن روی سرها به عنوان نشانه‌ای از مهمان‌نوازی می‌آورند.

وقتی پوست شما ترک خورده و خشک است، این یک نوع آرامش‌بخشی واقعی است. بنابراین، می‌دانید، این دو سطح را مانند روغنی که روی سر ریخته می‌شود در نظر بگیرید، و آن به عنوان نمادی برای نشان دادن وحدت، آرامش‌بخشی و ترمیم‌کنندگی.

امروز کمی بعدتر درباره روغن زیتون بیشتر صحبت خواهیم کرد. بنابراین، به هر حال، می‌توانم در مورد موعظه از آن و وحدت، مطالب بیشتری بگویم، اما الان به آن نمی‌پردازم.

بباید کمی وقت بگذاریم و با هم دعا کنیم و سپس به موضوع امروزمان خواهیم پرداخت.

ای خدای مهربان، پدر آسمانی ما، ای نجات‌دهنده‌ی گرانقدر، ای روح‌القدس حقیقت، امروز که کتاب مقدس را در چارچوب جغرافیا و تاریخ می‌گشاییم، از تو می‌خواهیم که به ما بیاموزی. پدر، ما برای پر شدن روح تو دعا می‌کنیم. کمک کن تا به روشنی تعلیم دهم.

به هر یک از ما کمک کن تا خوب یاد بگیریم که کتاب مقدس به شکلی جدید و متفاوت زنده شود. و پدر، ما دعا می‌کنیم که همانطور که توسط این مزمور تشویق می‌شویم، واقعاً به ما کمک کنی تا سخت تلاش کنیم تا به عنوان برادران و خواهران در مسیح به عنوان اعضای بدن او با هم زندگی کنیم. ما این را برای این کلاس دعا می‌کنیم.

ما این را برای این دانشگاه دعا می‌کنیم. ما از شما برای مردمتان می‌خواهیم، که به ما کمک کنید تا چراغی از نور باشیم، که مردم بدانند ما شما را دوست داریم و شما ما را دوست دارید و ما یکدیگر را دوست داریم. ما این چیزها را به نام مسیح با شکرگزاری می‌خواهیم. آمین.

خب، بیایید ادامه دهیم و ببینیم برای امروز چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. در اینجا، ما در مورد پیشینه‌های جغرافیایی و تاریخی صحبت می‌کنیم.

می‌دانم که قرار است سریع پیش برویم. احساس می‌کنم در بعضی موارد، این ترم شروع کندی داشته‌ایم، چون کلاس دوشنبه هم کوتاه بود و بعد هم چهارشنبه را از دست دادیم. بنابراین، سعی می‌کنیم امروز کل این درس را تمام کنیم.

با من همراه باشید. با این حال، این به معنای رد سوال پرسیدن شما نیست. اگر سوالی دارید، لطفاً حتماً بپرسید.

این یکی برای توست. فقط برای شروع، می‌دانی، تو روی نقشه‌های کمی مطالعه کردی. امیدوارم آن نقشه‌ها را دانلود کرده باشی و تکالیف را انجام داده باشی.

کدام یک از شهرهای زیر در شمال غربی بین‌النهرین واقع شده است؟ چه کسی اور را انتخاب می‌کند؟ آیا به اور رأی می‌دهد؟ هیچ کس به اور رأی نمی‌دهد. آیا کسی شکیم یا شکیم را انتخاب می‌کند؟ هیچ رأی به شکیم داده نشده است. سومر چطور؟ چند رأی به سومر دارم.

سه یا چهار. هاران چطور؟ خب، بیشتر ما هاران را انتخاب می‌کنیم. چرا این مهم است؟ آن‌هایی از شما که گفتید هاران.

... کسی می‌خواهد بگه چرا این مهمه؟ خوشحالم که می‌دونی، عالیه. این یه جورایی نشون دادنه؟ ابراهیم قراره آره، اون قراره واقعاً از اور بره، اما قراره برای یه مدت طولانی با تارح و خانواده‌اش تو حران بمونه. و وقتی خدمتکارش رو می‌فرسته تا زن یا پسرش رو بیاره، اونجا هم قراره برن.

خب، خانواده اونجا هستن. واقعاً مهم شده. عالیه، داری خیلی خوب پیش میری.

خب، بریم سر اصل مطلب. این فقط یه سوال مقدماتی بود. شاید یه وقتی تو امتحان ازش استفاده کنیم.

هرگز نمی‌دانم. اول از همه، چند تعریف چطور؟ اینها تعاریف بیش از حد ساده‌ای هستند، باشه؟ اما حداقل تا حدودی چارچوب را برای ما مشخص می‌کنند. وقتی در مورد جغرافیا صحبت می‌کنیم، در مورد مطالعه زمین صحبت می‌کنیم.

البته، این همان معنایی است که آن دو بخش از آن کلمه، که از یونانی گرفته شده است، دارند. مطالعه زمین به عبارت دیگر، این بُعد مکانی است.

ما داریم درباره فضا-زمان صحبت می‌کنیم. این بُعد فضایی ماست. کمی بعد بیشتر در مورد پیامدهای آن صحبت خواهیم کرد.

تعریف اساسی دوم. تاریخ. باز هم، برای آن دسته از شما که رشته تحصیلی‌تان تاریخ است و در حال گذراندن دوره‌ای در تاریخ‌نگاری هستید یا خواهید گذراند، حرف‌های زیادی در مورد تعریف تاریخ برای گفتن وجود دارد، و من این را می‌دانم.

اما برای اهداف ما، وقتی در مورد تاریخ صحبت می‌کنیم، در مورد توالی رویدادهایی که آشکار می‌شوند صحبت می‌کنیم. این به معنای بُعد زمانی است. بنابراین، ما فضا-زمان را داریم که قرار است در چگونگی درک ما از این موضوع نقش داشته باشند.

مکان، اگر بخواهید. صفحه شطرنج بُعد مکانی است. اینکه اتفاقات در آن بازی شطرنج چگونه رخ می‌دهند، بُعد زمانی ما خواهد بود.

بنابراین، کمی به این موضوع توجه کنید. این می‌تواند برای ما در مورد تفکر در مورد این دو بخش از رشته جغرافیای تاریخی مفید باشد. البته، اگر فکر می‌کنید، یکی از چیزهایی که متوجه می‌شوید، شاید با احساسی ناخوشایند در دلتان، این است که این به معنای نقشه‌ها و تاریخ‌ها است.

من از شما نمی‌خواهم که کلی تاریخ حفظ کنید، اما بعضی از آنها را در طول ترم باید بدانید. شما باید این کار را برای درس تاریخ انجام دهید. خب، در اینجا چند نکته دیگر وجود دارد که باید در مورد آنها فکر کنید.

چرا ما این چیزها را مطالعه می‌کنیم؟ من این سوال را از شما می‌پرسم، البته اگر در طرح کلی سخنرانی‌تان به آن پاسخ داده باشید. پس اجازه دهید کمی بیشتر در مورد این موارد صحبت کنم.

جغرافیا، چه متوجه باشیم چه نباشیم، چیزی بیش از مطالعه‌ی ساده‌ی یک نقشه است، زیرا وقتی به محل زندگی خود فکر می‌کنید، تا حد زیادی شخصیت شما را شکل می‌دهد. واقعاً همینطور است. بنابراین، جغرافیا محل و نحوه‌ی زندگی مردم را شکل می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا بفهمیم تاریخ چگونه رقم می‌خورد.

این فقط یک مثال از تنوع باغبانی است. چند نفر از شما جایی در کوهستان زندگی می‌کنید؟ نیوهامپشایر ورمونت، شمال ایالت نیویورک، چیزی شبیه به آن، باشه؟ تعدادتان زیاد نیست. خب، چند نفر از شما جایی بین شهر نیویورک و واشنگتن دی سی زندگی می‌کنید؟ بقیه شما کجا زندگی می‌کنید؟ همه شما در این نوع کلان‌شهر از شهر نیویورک تا واشنگتن زندگی می‌کنید. آیا فکر می‌کنید زندگی شما در دوران کودکی تا حدودی با زندگی مردم ما در ورمونت، نیوهامپشایر و آدیراندک‌ها متفاوت بوده است؟ می‌توانید شرط ببندید که اینطور بوده است زیرا تراکم جمعیت شما بین این دو منطقه بسیار متفاوت است.

این از نظر فرهنگ، زبان، جهان بینی و همه این چیزها خیلی چیزها را شکل می دهد. همین امر در مورد اسرائیل نیز صادق است. مردمی که در منطقه بین شکیم زندگی می کردند، که همین چند لحظه پیش به آن اشاره کردیم، از بتل، اورشلیم، هبرون تا بئر شبع، آن مردم در منطقه ای کوهستانی زندگی می کنند که می توان آن را همتای ورمونت و نیوهمپشایر دانست.

در حالی که مردمی که در دشت ساحلی زندگی می کنند، به ویژه فلسطینی ها، از نوع جهان وطنی امروزی هستند. من نمی گویم هر کسی که بین بوستون و واشنگتن دی سی زندگی می کند، فلسطینی است. اشتباه برداشت نکنید، اما منظورم را متوجه شدید، باشه؟ خب، تاریخ

خب، اولین روزی که کلاس داشتیم، یکی از کارهایی که انجام دادم این بود که اول قرن تیان ۱۰، آیات ۱ تا ۱۳ را برای شما خواندم، جایی که پولس می گوید، این اتفاقاتی که برای بنی اسرائیل افتاد، به عنوان درس هایی برای ما هستند. یادتان هست؟ و بنابراین در اینجا خلاصه ای از آن را بدون ارجاع داریم، و این به سادگی این است. تاریخ واقعاً درس هایی برای ما دارد.

بارها و بارها، ما شاهد رهایی قوم خدا، رهایی در دریای سرخ، لغزش و تزلزل آنها هستیم، همانطور که ما بارها، و بارها شاهد آن هستیم. بنابراین درس های مهم زیادی در آنجا وجود دارد. ما صبر و لطف خدا را نیز می بینیم، زیرا خدا واقعاً به نمایندگی از قوم خود مداخله می کند.

خب، این دو مورد، بخش های کوچکی از منطق مطالعه ای جغرافیای تاریخی هستند. قبل از ادامه سوالی دارید؟ خب، ادامه می دهیم. این یک نقشه ی کوچک است، و فکر می کنم بهتر است نشانگر کوچک را داشته باشم.

کاری که قرار است، فقط در عرض چند دقیقه آینده انجام دهم این است که چیزهایی را که در پاورپوینت دارید، یا ندارید، دوباره در طرح کلی سخنرانی، بردارید و آنها را روی این نقشه قرار دهید، و سپس آنها را به صورت چاپی نیز بررسی خواهیم کرد. بنابراین، اول از همه، اگر مایل باشید، خشکی های اصلی. اینجا بین النهرین است.

بسیار خوب، منظور بین رودخانه ها است. اکثر مردم فکر می کنند که منظور رودخانه های دجله و فرات است. در این مورد اختلاف نظر وجود دارد.

اگر علاقه مند باشید، می توانیم بعداً به این موضوع بپردازیم. اما به هر حال، بین النهرین به این اشاره دارد. و. وقتی از اصطلاح بین النهرین استفاده می کنم، از یک اصطلاح ژئوپلیتیکی استفاده نمی کنم.

من فقط از یک اصطلاح جغرافیایی استفاده می کنم. وقتی شروع به صحبت در مورد بابل ها و آشوری ها و همه آن افراد می کنیم، سیاست وارد ماجرا می شود. آنها اینجا در بین النهرین زندگی می کنند.

بنابراین، یک حلقه قدرت اصلی، درست آنجاست. دومین کانون قدرت اصلی، یعنی شکل زمین، البته در مصر قرار دارد. ما همچنین در مورد چگونگی پیشرفت تاریخ در دوره سلسله های مصری، همزمان با پیشرفت این مسیر، بیشتر صحبت خواهیم کرد.

مورد سوم، که لزوماً در متن عهد اول چندان برجسته نیست، اما با این وجود، باید اذعان کنیم که آنجاست زیرا بسیار مهم است، آناتولی است، درست همین جا. ما مردمی به نام هیتی ها خواهیم داشت که در آنجا زندگی می کنند. هوری های هم آنجا هستند.

، اگرچه ما همیشه آنها را در صفحات کتاب مقدس نمی بینیم، اما بی اهمیت نیستند. بنابراین، بین النهرین، مصر، آناتولی. من به چند دلیل در اینجا آرام را نیز دور زده ام.

اول از همه، همیشه به نوعی در خطوط مقدم بین این سرزمین کوچک اسرائیل، که در مورد آن بعداً بیشتر صحبت خواهیم کرد، و نیروهای اصلی در بین النهرین، درگیری وجود دارد. آرام نام دیگری دارد. چیست؟ با شروع می شود. سوریه، درست است، سوریه S حرف

است، اما اغلب به عنوان سوریه شناخته می شود. آن را با آه-سوریه Aram، آرام، برگردان کلمه عبری آرام اشتباه نگیرید. بعداً در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد

بسیار خوب، اینجا نوعی منطقه حائل است. همچنین دور آن دایره کشیده شده است زیرا منطقه ای است که لحظه ای پیش وقتی در مورد محل سکونت هاران و خانواده ابراهیم صحبت کردیم، به آن اشاره کردیم نوعی سکونت در آنجا، و بنابراین، آنجا مکانی است که رفت و آمد به آنجا وجود خواهد داشت. حال، اینها مراکز سیاسی اصلی ما، توده های خشکی، عوارض زمینی و عوارض زمینی بزرگی هستند که به مراکز سیاسی تبدیل می شوند و توجه به آنها مهم است

یکی از دلایلی که توجه به آنها مهم است، صرفاً همین است. شما هم مثل من طبیعت انسان را می شناسید، و احتمالاً طبیعت سیستماتیک انسان، به عبارت دیگر، سیستم های سیاسی بزرگ را می شناسید. همانطور که افراد به ندرت از داشته هایشان راضی هستند، ما همیشه کمی بیشتر می خواهیم، ملت ها نیز در گذشته اینگونه بوده اند و همیشه کمی بیشتر می خواستند، و بنابراین افرادی که در بین النهرین زندگی می کردند، مانند آشوری ها و به ویژه بابلی ها، به خوبی می دانستند که اینجا در مصر به دلیل وجود رود نیل، سبب نان خاور نزدیک باستان بوده است

آنها ببر و فرات داشتند، اما به دلایل زیادی، مانند سیل، شور شدن و از این قبیل مسائل، از نظر کشت محصولات به آن اندازه مفید نبودند. بنابراین، اغلب مقداری تردد نظامی از اینجا انجام می شد. مصر هم همینطور است

، وقتی شروع به قدرت نمایی کنن، خب، آگه بتونیم بریم اینجا، پسر، می دونی، می تونیم به روغن زیتون، مم انگور، که ازش شراب درست می شه، مم، چیزهای خوب، دست پیدا کنیم. و بنابراین، همیشه اینجا رفت و آمد هست، که مربوط به ارتشه. بنابراین، همونطور که به مراکز قدرت بزرگتون، آناتولی، و هیتی ها، مخصوصاً اونجا فکر می کنید، اینجا هم رفت و آمد خواهد بود

حالا، شما خواهید گفت، چرا از آنجا؟ خب، این ما را به موانعمان می رساند. صحرای عربستان، مانعی قابل توجه. منابع آب بسیار کم و ارزشمند

حالا، البته، می توانیم از روی آن پرواز کنیم. می توانید با یک هاموی از روی آن عبور کنید، و از این قبیل کارها آن موقع نمی توانستیم این کار را انجام دهیم، بنابراین وقتی مردم سفر می کردند، حتی اگر قرار بود از اور، که آن نقطه سیاه است، بروید، باید از این مسیر بالا می رفتید و سپس در نهایت به پایین می پیچیدید و از طریق مصر به جنوب و جنوب غربی می رفتید. صحرای عربستان، یک مانع بزرگ

صحرای سینا، مانع کوچکتری است، اما هنوز هم یک مانع است. خیلی کوچکتر از آن که بتوانم چیزی روی آن بنویسم. و البته، این هم یکی از موانع است

مانع دیگر دریای مدیترانه خواهد بود. در قرون اولیه که ما در مورد عهد عتیق صحبت می‌کنیم، ترافیک دریایی زیادی وجود ندارد. بعداً بیشتر، شکی در این مورد نیست، اما در قرون اولیه ما اینطور نبود.

بنابراین، ترافیک دریایی از اینجا عبور می‌کند. آیا منظورتان را می‌فهمم؟ و بنابراین، شما یک پل زمینی درست آنجا دارید. این ارتباط زیادی با آنچه ما در موردش صحبت می‌کنیم دارد، و بعداً وقتی در مورد اسرائیل به عنوان یک میدان آزمایش ایمان صحبت می‌کنیم، بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد.

خداوند آنها را در مکانی کاشته است که زندگی در آن به دلیل شرایط ژئوپلیتیکی کمی ضعیف است. همیشه تهدید دشمنان از اینجا عبور می‌کند. نعمت‌ها و نفرین‌های موجود در عهد به زمین گره خورده‌اند و یکی از جنبه‌های زمین، امنیت یا ناامنی است.

اگر مطیع باشند، نعمت امنیت، رهایی از حمله دشمن و غیره. اگر نافرمان باشند، یکی از راه‌هایی که خدا برای تنبیه قومش استفاده می‌کند، حمله دشمن خواهد بود و ما کمی بعد در مورد برخی از این افراد بالقوه صحبت خواهیم کرد. بسیار خوب، بیایید به آن در متن نگاه کنیم.

و دوباره، شما همه اینها را دیده‌اید، بنابراین ما آن را روی نقشه قرار دادیم. سازه‌های بزرگ زمینی را که می‌شناسیم. ما موانع را دیده‌ایم، و پل زمینی را دیده‌ایم.

خب، ببخشید، بین‌النهرین ما اینجاست، مصر و آناتولی، بیابان‌ها، دریای مدیترانه، سرزمین بین آنها. این عبارتی است که می‌خواهم در ذهنتان داشته باشید - سرزمین بین آنها.

اسرائیل همین است. سرزمینی است که بین این موجودیت‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد و همیشه در این موضوع اهمیت وجود خواهد داشت. همچنین سرزمینی است که بین چیزهای دیگر نیز قرار دارد.

الان به آنها می‌پردازم. زمین بین یا زمین آزمایش ایمان. آیا من انگلیسی صحبت می‌کنم؟ آیا ما اینجا خوب هستیم؟ بسیار خوب.

بیایید کمی به این موضوع اضافه کنیم، زیرا نه تنها مسائل ژئوپلیتیکی داریم که باید در مورد آنها صحبت کنیم، بلکه باید در مورد حاصلخیزی و آب نیز صحبت کنیم. آب بدیهی است که برای تمدن ضروری است. من اینجا دور نام‌های دجله و فرات دایره کشیده‌ام تا بتوانید آنها را ببینید، زیرا کسانی که در عقب هستند ممکن است نتوانند دجله و فرات را ببینند.

احتمالاً دو رودخانه اصلی بیشترین تعریف را به بخش عمده‌ای از هلال حاصلخیز ما می‌دهند. من هر سال این را می‌گویم، بنابراین احساس می‌کنم الان دارم رکورد می‌شکنم، اما اگر در به خاطر سپردن اینکه کدام رودخانه کدام است مشکل دارید، این روش من برای انجام آن است، چون من ساده‌لوح هستم و باید به نکات کوچک مفید فکر کنم. دجله در بالا است، ت و ت. آیا این اصلاً کمکی به شما می‌کند؟ دجله در بالا است.

بنابراین، همانطور که به رودخانه دجله فکر می‌کنید، این رودخانه است که مستقیماً به اینجا می‌رود. فرات وقتی از هم جدا می‌شوند، مسیر جداگانه خود را طی می‌کنند و در این مسیر بالا می‌آیند. و چند رودخانه مهم دیگر، رودخانه خابور، وجود دارند که به آنجا می‌پیوندند و این منطقه را تشکیل می‌دهند، خب، لازم نیست این را بدانید، اما برخی افراد فکر می‌کنند وقتی اصطلاح بین‌النهرین برای اولین بار ابداع شد، به کل این منطقه در اینجا اشاره نداشت.

این صرفاً به دو رودخانه بین فرات، آن شاخه فرات، و خابور در آنجا اشاره دارد. اما آن داستان دیگری است. نگران این موضوع نباشید.

در هر صورت، دجله و فرات این منطقه را به منطقه‌ای حاصلخیز از نظر کشاورزی تبدیل کرده‌اند. باز هم مشکلاتی وجود داشت زیرا وقتی دجله و فرات گل و لای می‌گرفتند و دشت سیلابی را پر می‌کردند، کارهایی را که نیل انجام می‌دهد، انجام نمی‌دادند. و من کمی بعد بیشتر در مورد نیل صحبت خواهم کرد.

بنابراین، دولت-شهرهای بین‌النهرین مجبور بودند با لایروبی و کانال‌کشی، مشکلات مربوط به نمک در خاک و غیره دست و پنجه نرم کنند، که به هیچ وجه حاصلخیز نبود. در اینجا ما نیل را داریم. باز هم، احتمالاً دیدن آن کمی دشوار است، اما من سعی کرده‌ام آن را دور بزمن.

نیل رودخانه‌ی فوق‌العاده‌ای است. نیل، همانطور که از جنوب به شمال جریان دارد، یکی از نکات جالب این است که از جنوب به شمال جاری است. دو شاخه دارد که بسیار دورتر از مصر به سمت جنوب هستند و هر سال، با نظمی باورنکردنی، طغیان می‌کند.

این رود، گل و لای و خاک غنی‌شده‌ی فوق‌العاده‌ای را به ارمغان می‌آورد، آنها را در دشت سیلابی در خود مصر، یا بهتر است بگویم در خود مصر، ته‌نشین می‌کند، و سپس به محض فروکش کردن آن سیل‌ها، این منطقه، منطقه‌ای عالی برای کشت و زرع است. وقتی تصاویر مصر را می‌بینید، وقتی از دره نیل فراتر می‌روید به جز چند واحه در غرب، همه جا بایر است. اما خود دره نیل از نظر حاصلخیزی و بهره‌وری کشاورزی قابل توجه است.

نکته خوب دیگر در مورد نیل این است که تنداب‌های زیادی و غیره ندارد. برای حمل و نقل و ارتباطات عالی است. سفرهای زیادی از جنوب به شمال روی نیل انجام می‌شود.

آیا متوجه می‌شوید که نیل واقعاً مهم است؟ نیل از نظر حاصلخیزی کشاورزی و همچنین تمام وسایل ارتباطی و مسافرتی آنقدر مهم بود که به عنوان یک خدا در نظر گرفته می‌شد، به خصوص در شمارش قبلی. یکی از خدایان اصلی در کل درک شرکت‌آلود مصریان از چیزها. خورشید یکی دیگر از انواع آنها بود، اما نیل یک نیروی اصلی بود.

بسیاری از جشنواره‌های مذهبی در بستر رود نیل برگزار می‌شدند، و وقتی برخی از آن ویژگی‌ها، مانند آنچه که اشاره کردم، را بررسی کنیم، می‌توانیم دلیل آن را بفهمیم. خب، یک بیضی سوم هم اینجا وجود دارد، همینجا هیچ رودخانه بزرگی نمی‌بینید.

منظورم این است که اگر با دقت نگاه کنید، رود اردن را تقریباً پشت خط سفید من می‌بینید، اما باور کنید، این هیچ ربطی به آن ندارد، خب، ارتباط چندانی با حاصلخیزی کشاورزی زمین ندارد زیرا ارتفاع آن بسیار پایین‌تر است. در انتهای جنوبی رود اردن، درست قبل از اینکه به دریای مرده یا دریای نمک بپیوندد، تقریباً حدود ۱۳۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا است، درست است؟ تنها ۱۲ مایل به سمت غرب در شهر ۱۲۰۰ اورشلیم، حدود ۲۵۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا هستید. هیچ کس قرار نیست آب خود را از رود اردن به آن منطقه کوهستانی منتقل کند.

بسیار خوب، حاصلخیزی این منطقه از رود اردن نیست، اگرچه ممکن است برخی افراد وسوسه شوند که این را بگویند. این حاصلخیزی در درجه اول از بارندگی ناشی می‌شود و من در ادامه بیشتر در مورد آن توضیح خواهم داد. بارندگی در زمستان، شب‌نم در تابستان.

اسرائیل دو فصل دارد. یکی فصل بارانی است. اگر سال خوبی باشد، فصل بارانی از حدود نوامبر تا، خب، اکتبر در واقع، تا اوایل آوریل ادامه دارد، و در ادامه بیشتر در مورد باران‌های زود هنگام و دیر هنگام صحبت خواهیم کرد.

اگر سال بدی باشد، ممکن است فقط از دسامبر تا مارس باران ببارد، اما باران و سپس شبنم. بنابراین این سه منبع هلال حاصلخیز ما هستند. حالا، بیایید در مورد آنها صحبت کنیم.

خب، بگذارید فقط بگویم که قبلاً به این موضوع اشاره کردم. می‌خواهم روی تأثیرات دریای مدیترانه تمرکز کنم، زیرا این همان چیزی است که قرار است تولید کننده باشد، اگر بخواهیم اینطور بگویم، بارندگی ما که برای اسرائیل بسیار مهم است. خب، آماده‌اید ادامه دهیم؟ می‌بینم که برخی از شما برای نوشتن به آنجا هجوم آورده‌اید.

مطمئن شو که همه چیز سر جایش است. باشه. یه لحظه دیگه در مورد توپوگرافی این تکه زمین کوچک صحبت می‌کنیم، و عکس‌هایش را خواهید دید، اما حرف من را قبول کن که از شمال به جنوب با کمی انحراف، بنابراین این یه جورایی شمال، شمال شرقی، جنوب، جنوب غربیه، از شمال به جنوب امتداد داره که یه رشته کوه نسبتاً پیوسته‌ست.

پس فقط یک لحظه فکر کنید. در غرب، دریا را داریم. در شرق، بیابان را داریم، و درست در میان آنها کوه‌ها قرار دارند.

حالا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. هوای بالارونده، روی دریا خنک می‌شود، پر از رطوبت. می‌دانید که اگر نزدیک ساحل زندگی کنید، چه حسی دارد، حتی اگر همین اطراف زندگی کنید.

تابستان در ماه جولای، می‌دانید چه حسی دارد؟ مرطوب است، درست است؟ بنابراین، هر زمان که در نزدیکی یک منبع آب بزرگ زندگی می‌کنید، هوا مرطوب خواهد بود و بنابراین، هوای مرطوب بر فراز دریای مدیترانه بالا می‌رود. حرکت می‌کند. بادهای غالب از غرب به شرق هستند.

ضمناً، من دارم این را خیلی ساده می‌کنم. چیزهای خیلی بیشتری در این مورد وجود دارد، اما فقط نکته را از نظر بارندگی و شبنم متوجه شوید. همین‌طور که این ابرهای پر از رطوبت از غرب به شرق حرکت می‌کنند، از آن رشته کوه بالا می‌روند، و البته، همان‌طور که این اتفاق می‌افتد، اگر بخواهید، بارندگی هم شروع می‌شود.

در دامنه‌های غربی بارندگی وجود خواهد داشت، و بنابراین وقتی به تمام اسرائیل نگاه می‌کنید، دامنه غربی، شما تقریباً جایی خواهد بود که باران خواهد بارید. وقتی از قله آن تپه عبور می‌کنید و به سمت شرق می‌رسید، با سایه باران مواجه می‌شوید. بیابان سایه باران است.

یه لحظه دیگه یه نقشه بهت نشون میدم. به اونجا هم میرسیم، باشه؟ میزان بارندگی هم با افزایش ارتفاع افزایش و از شمال به جنوب کاهش پیدا میکنه. خب، میدونید، اینجا در واقع قسمت جنوب غربی هلال حاصلخیزه، و بنابراین هر چی به سمت جنوب برید، بارندگی کمتر میشه.

همان‌طور که قبلاً گفتم، از غرب به شرق و از ارتفاعات بالا به ارتفاعات پایین، کاهش می‌یابد. من قصد ندارم زمان زیادی را صرف این موضوع کنم، اما اگر به سرزمین خودمان بین این دو فکر می‌کنیم، توجه داشته باشید که ما سرزمینی بین کمرندهای اقلیمی نیز داریم. ابتدا کمرندهای سیکلونی و نیمه‌گرمسیری وجود دارد.

این چیزی است که در درجه اول به دو فصلی که ما اینجا داریم کمک می‌کند، برخلاف چهار فصلی که من و شما با آن بزرگ شده‌ایم، اگر تقریباً در هر بخشی از ایالات متحده ساکن بوده باشیم. خب، این یعنی، و باز هم، می‌دانم که بیش از حد ساده‌اش کردم. چیزهای بیشتری برای گفتن اینجا وجود دارد، اما معنی این حرف این است که وقتی زمینی بین دریا از یک طرف و بیابان از طرف دیگر دارید، با آن مجموعه بسیار استراتژیک از رشته کوه‌ها که به آنجا می‌روند، ما حاشیه‌های هلال حاصلخیز را داریم.

مکانی عالی برای خدا تا قوم خود را در آنجا بکارد، زیرا همانطور که در ادامه‌ی سفر تثنیه، باب ۱۱ خواهیم دید، این منطقه‌ای است که خدا می‌تواند از آن به عنوان میدان آزمایش استفاده کند. همانطور که در شرایط ژئوپلیتیک، اگر آنها مطیع بودند، خدا به آنها امنیت می‌داد. در اینجا نیز، اگر مطیع باشند، خدا وعده می‌دهد که زمین حاصلخیز خواهد بود.

شما قرار است شراب جدید، غلات، روغن و تمام آن چیزهای فوق‌العاده‌ای که بخشی جدایی‌ناپذیر از تولیدات این منطقه از جهان هستند را داشته باشید. بسیار خب، بیایید حالا با یک نقشه در دست، یک نقشه بزرگتر در دست، به آن نگاه کنیم. به نوعی خلاصه‌ای از سرزمینمان بین این دو مفهوم، خب؟ این کاری است که ما با این [طرح/طرح] /...انجام می‌دهیم.

اول از همه، سرزمینی بین این دو، از نظر ارتباطش با آب و هوا و اقلیم. قبلاً هم گفتم. بین دریا، خنک و مرطوب، و کویر، گرم و خشک، و کوه‌های بین آنها.

بنابراین، اگر خدا بخواهد به این شکل برکت دهد، شما پتانسیل بارندگی فوق‌العاده‌ای را دارید. ضمناً، اسرائیل در سال گذشته کمبود شدید باران داشته است. بنابراین، می‌دانید، آنها باید در صحنه مدرن نیز با این مسائل دست و پنجه نرم کنند.

سطح آب دریا به جورایی بالا و پایین می‌ره. سطح آب دریای جلیل خیلی خیلی پایین‌تر از حد معمولش هست. بنابراین، زندگی اونجا از نظر بارندگی و همچنین برخی از مسائل سیاسی به جورایی اسفناکه

به هر حال، این همچنین سرزمینی است بین، باز هم، خلاصه آنچه گفتم، بین زمین‌های ژئوپلیتیکی، زیرا به ویژه بین بین‌النهرین و مصر و آن تنش‌هایی است که قبلاً برای شما توضیح دادم، با ابرقدرت‌هایی که همیشه سعی می‌کنند این پل زمینی منطقه حائل را در بین خود نگه دارند و به منطقه فراتر از آن برسند. همچنین بین غرب و شرق است. حال، این ما را به جهت کمی متفاوتی می‌برد، و من فقط به چند نکته در اینجا اشاره کرد خواهم کرد.

اتفاقاً اگر به اسرائیل بروید، هنوز هم می‌توانید این را ببینید. در خود کشور اسرائیل بین افرادی که از خانواده‌هایی می‌آیند که از غرب آمده‌اند، مانند مهاجران از ایالات متحده، از بخش‌هایی از اروپا و غیره، آن دسته از افرادی که یهودیان اشکنازی نامیده می‌شوند، و کسانی که از خانواده‌هایی می‌آیند که در کشورهای شرقی زندگی می‌کنند، اسفاردیم‌ها، تنش وجود دارد. آنها همیشه با هم خوب کنار نمی‌آیند.

آنجا یک تضاد فرهنگی وجود دارد. همه آنها اسرائیلی هستند، اما خیلی خوب با هم کنار نمی‌آیند. و البته، کلی چیزهای دیگر هم هست که بخشی از این منطقه بسیار پیچیده هستند.

مردمی که از غرب می‌آیند، عموماً به اشکال مختلف به اسرائیل حمله می‌کنند، نه همیشه به صورت نظامی، اما عموماً این کار را می‌کنند. بنابراین، برای مثال، برای اهداف ما، همانطور که عهد عتیق را می‌خوانیم، حدود پنج دقیقه پیش کلمه فلسطینیان را ذکر کردم. این گروهی از مردم هستند که از جایی در اینجا آمده‌اند

، بحث‌های زیادی در مورد اینکه دقیقاً فلسطینی‌ها از کجا آمده‌اند و غیره وجود دارد. اما آنها از این منطقه احتمالاً از طریق ترکیه، و شاید در برخی از نقاط قبرس، که در آن زمان مرکز بسیاری از چیزها بود، راه خود را پیدا کرده‌اند. اما در نهایت آنها درست در اینجا، در جایی که دشت فلسطینی نامیده می‌شود، ساکن می‌شوند.

اگر بخواهید، آنها مهاجمانی از غرب هستند. و اگر عهد عتیق را خوانده باشید، می‌دانید که آنها زندگی را برای قوم خدا، یعنی کسانی که اینجا هستند، واقعاً سخت می‌کنند. از سوی دیگر، از آنجایی که قوم خدا درست در اینجا مستقر شده‌اند، به محض اینکه خدا آنها را به این سرزمین می‌آورد، شما مردمی نیمه‌کوچ‌نشین دارید که از صحرا می‌آیند و زندگی را سخت می‌کنند.

شاید نام‌های مدیانیان، اسماعیلیان و عمالیقیان را بشناسید. آنها قصد دارند به اینجا حمله‌های گسترده‌ای انجام دهند، به ویژه در دوره داوران و زمان‌های دیگر، و زندگی را به فلاکت بکشانند. بنابراین غرب و شرق نیز به همین ترتیب کارهایی انجام می‌دهند تا اینجا را به میدان آزمایش ایمان تبدیل کنند.

تا اینجا خوب بود؟ باشه. حالا، ما به این موضوع به شکل کلی نگاه کردیم. بیایید ببینیم آیا می‌توانیم آن را کمی پایین‌تر بیاوریم و مستقیماً روی زمین بین آنها تمرکز کنیم.

می‌دانم که این نقشه خیلی کوچک است، اما باید کوچک باشد تا همه چیز در آن جا بگیرد. پس اگر در ردیف عقب زندگی می‌کنید، اگر نمی‌توانید همه چیز را ببینید، تلسکوپ‌هایتان را بیرون بیاورید و من سعی می‌کنم چیزهایی را نشان دهم. اول از همه، ما از غرب به شرق کار خواهیم کرد.

اینجا دشت ساحلی را داریم، درست همینجا. کمی بعد به این نقشه برمی‌گردم و خطوط سبز را توضیح می‌دهم. پس فعلاً نگران خطوط سبز نباشید.

ما فقط داریم درباره جغرافیا صحبت می‌کنیم. و دشت ساحلی اینجا تقریباً همان ویژگی‌های دشت ساحلی کشور ما را دارد. دوباره، مسیرتان را از شهر نیویورک تا واشنگتن ادامه دهید.

این منطقه دشت ساحلی است. صاف و هموار است، شهرهای بزرگ در آن رشد می‌کنند، رفت و آمد آسان است، و با هیچ مانعی مواجه نمی‌شوند. و این همان چیزی است که در مورد دشت ساحلی اتفاق می‌افتد.

شهرهای بزرگ و جهان‌وطنی. اینطور به آن فکر کنید. بنابراین دشت ساحلی به بخش‌های کوچک تقسیم شده است، اما در درجه اول ما فقط می‌خواهیم آن را در تصویر بزرگ در نظر بگیریم.

حالا، کلمه بعدی ما، همینجا پیداش می‌کنی، شفله. دورش پرانتز گذاشتم چون لزوماً کل کشور رو شامل نمیشه. راستش رو بخوای، دشت ساحلی هم همینطور.

جایی هست که یک کوه درست از اینجا سر برآورده، آن کوه کرمل است. ما قرار است تمام کارهایی را که می‌خواهیم با کوه کرمل انجام دهیم، وقتی داستان الیاس را می‌سازیم، انجام دهیم. اما به هر حال، برگردیم به شفلا، اگر کل این منطقه را که برایتان توصیف کردم، به عنوان یک رشته کوه بزرگ، طولانی، شمالی-جنوبی، در نظر بگیرید.

آن دسته از شما که اهل کلرادو هستید، فکر نمی‌کنید کوه‌های اسرائیل مثل کوه‌های شما در کلرادو باشند. اینطور نیست. آنقدرها هم بزرگ نیستند.

احتمالاً بیشتر شبیه کوه‌های جنوب نیوهمپشایر هستند. اما با این حال، قابل توجه، قابل توجه، شفله از یک کلمه عبری به معنای پایین بودن، خم شدن، یا به عبارت دیگر، ترکش گرفته شده است.

و بنابراین، چیزی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، دیدگاه مردمی است که اینجا زندگی می‌کنند و به پایین نگاه شما NIV می‌کنند و می‌گویند، اینجا زمین‌های پست هستند، اینجا کوهپایه‌ها هستند. در واقع، من فکر می‌کنم این را کوهپایه ترجمه می‌کند. بنابراین، شفلای ما کوهپایه‌هایی در زیر تپه‌ای است که همینجاست.

باز هم، به خط سبز توجه نکنید. کمی بعدتر در مورد آن بیشتر خواهیم گفت. حالا، این منطقه کوهستانی، شفله، در شرق است، خمیده به سمت، کلمه مناسب من چیست؟ در شرق آن بیابان است.

بنابراین اساساً، شما یک رشته کوه مثل این دارید. سمت غربی آن باران را دریافت می‌کند. بنابراین، اگر باران‌های ما از دریای مدیترانه بیاید، این دامنه‌ای است که به خوبی آبیاری خواهد شد، و بنابراین، کشاورزی مناسبی در آنجا خواهید داشت.

چیزهای زیادی هم هست که به نوع خاک مربوط می‌شود. کتاب «مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس» را بخوانید. ما خیلی روی آن کار می‌کنیم.

این تمام کاری است که می‌توانیم اینجا با آن انجام دهیم. با این حال، در دامنه شرقی، قبلاً به سایه باران اشاره کردم. ابرهای شما تقریباً با عبور از بالای تپه‌ها پراکنده می‌شوند، بنابراین در اینجا یک نشانگر شکسته داریم.

اینجاست، همینجا، طبیعت بکر، و من الان عکس‌ها را به شما نشان خواهم داد. طبیعت بکر، می‌دانید، آن دسته از شما که از شمال ایالت، ورمونت، نیوهمپشایر، نیویورک آمده‌اید، به خرس‌ها و جنگل‌ها و از این جور چیزها فکر نمی‌کنید. این نوع طبیعت بکر، کاملاً متفاوت است.

خب، کمی که جلوتر برویم، دوباره، همچنان از غرب به شرق، به دره ریفت می‌رسیم. کل این مسیر، تا انتها. در واقع، دره ریفت، چند نفر از شما آکادمی ریفت ولی را می‌شناسید؟ آیا دوستی دارید که آنجا درس خوانده باشد؟ کجاست؟ کترین را می‌شناسید؟ بله، کاملاً حق با شماست، در کنیا است، و همان سازند زمین‌شناسی است.

این فقط یک بخش کوچک از آن است، اما اگر به نقشه نگاه کنید، دره ریفت تا آفریقا امتداد دارد، بنابراین یک شکاف شگفت‌انگیز در زمین است. همانطور که اشاره کردم، حتی اینجا، همانطور که از قلمرو ما عبور می‌کند، بسیار قابل توجه است زیرا اورشلیم، درست در آنجا، ۲۵۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا، انتهای شمالی دریای مرده، ۱۳۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا، در فضایی به طول ۱۲ مایل، بنابراین یک افت شدید است. و اگر می‌خواهید کمی تصویر پیوسته از این چیز داشته باشید، وقتی در این انتهای شمالی به دریای مرده بروید، اتفاقاً، اینجا کم‌عمق می‌شود، اما انتهای شمالی دریای مرده حدود ۱۱۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا است.

حالا، بیایید دوباره امتحان کنیم. عمق آب حدود ۱۱۰۰ فوت است. خب، اگر عمق آب را ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا در سطح آب در نظر بگیریم، عمق آب چیز دیگری است، خب، بسته به سطح بحرالمتیت که نوسانات زیادی داشته و متأسفانه همچنان در حال کاهش است، اما به هر حال، در آن نقطه بیش از ۱۰۰۰ فوت عمق آب وجود دارد.

و بعد این آماری است که کاملاً من را شگفت‌زده می‌کند. آنها از انتهای شمالی دریای مرده نمونه‌های مغزه‌گیری کرده‌اند. می‌دانید، شما رسوبات را حفر می‌کنید و می‌بینید که چقدر به آنجا رسیده‌اید.

حدس بزنید قبل از اینکه آب‌های دریای مرده به سنگ بستر برسند، چه مقدار رسوب زیر آنها جمع شده است. حدسی دارید؟ چیزی در مورد آن خوانده‌اید؟ کسی می‌خواهد حدس بزند؟ قول می‌دهم نمی‌خندم. هزاران فوت؟ حدود ۲۵۰۰۰ فوت رسوب.

خب، ما مدت زیادی است که چیزهایی به این منطقه سرازیر شده‌اند، هزاران سال. اما باز هم، این به ما تصویری می‌دهد، نوعی حس از اینکه این دره ریفت، حتی در حال حاضر، چه شکاف قابل توجهی در زمین است. بسیار خوب، این فقط یک پیش‌زمینه کوچک است.

این چیزی که اینجا هست احتمالاً چیزی است که شما بیشتر به عنوان دریای مرده می‌شناسید، اما من سعی می‌کنم در اشاره به آن به عنوان دریای نمک دقت کنم چون در واقع نام عبری آن، یام هاملخ، همین است و جالب اینجاست که در دریای مرده حیات وجود دارد. چیزهای خیلی کوچک، باشه، خیلی کوچک، اما با این حال، در دریای مرده حیات وجود دارد.

بنابراین، تا زمانی که یادم بماند، آن را دریای نمک می‌نامیم. بین دریای مرده و یا دریای نمک، و این پهنه آبی بعدی، دره اردن است. این همان رودخانه اردن است.

مسافتی بین ۶۰ تا ۶۵ مایل است، اما رود اردن در اینجا در همه جا می‌پیچد. این رود مستقیم نیست، حتی اگر آن نقشه اینطور به نظر برسد. بنابراین، جریان واقعی آب اردن نزدیک به ۱۲۰ مایل جریان آب است.

سپس دریای جلیل را داریم. از نظر عهد عتیق، ارتباط زیادی با دریای جلیل ندارد. این موضوع به ویژه در روایت عهد جدید اهمیت پیدا می‌کند.

و سپس این منطقه در شمال آن حوضه هولاً نامیده می‌شود. اصطلاح آراوه، یا شاید شما آن را هر از گاهی خواهید دید، زیرا ما از عبری به انگلیسی منتقل می‌شویم، به جای هم، درست است؟ بنابراین V و B، عربی، ببینید، اما آراوه تلفظ می‌شود، فقط برای کمی سردرگمی B ممکن است در متن خود آن را به عنوان عربی با اینجا. شما این اصطلاح را خواهید دید، و گاهی اوقات در واقع به برخی از بخش‌های درست در اینجا در شمال انتهای شمالی دریای نمک اشاره دارد، اما به این منطقه نیز مربوط می‌شود.

بسیار خوب، چند نکته‌ی دیگر هم هست که باید به آنها توجه کرد. البته، ماوراء اردن، درست همینجا، در شرق دره ریفت. و بعد نقب، کلمه‌ی دیگری که می‌خواهیم به آن اشاره کنیم.

نقب برای پدران ما، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، مهم خواهد بود. این کلمه‌ای است که هم به معنای جنوب و هم به معنای خشک است. هم به معنای جنوب و هم به معنای خشک، و این کاملاً مناسب است زیرا دقیقاً همان چیزی است که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم.

به طور کلی، میزان بارندگی در نقب چیزی بین ۸، ۱۰، ۱۲ اینچ در سال خواهد بود. این مقدار زیادی نیست، اما با این حال آنها می‌توانند در آنجا کشاورزی کنند. شگفت‌انگیز است.

سرزمین‌های شمالی، ما اینجا دو تا داریم. منطقه‌ای که، بر اساس عهد جدیدمان، ما آن را به عنوان جلیل می‌شناسیم. در عهد عتیق به عنوان جلیل از آن یاد نشده، اما وقتی من آن را بشناسم

بنابراین، ما قصد داریم در مورد شمال یا بخش شمالی کشور صحبت کنیم. جالب اینجاست که تمرکز بسیار کمتری نسبت به بخش جنوبی کشور در عهد اول دارد. خب، آیا نقشه کاملاً واضح است؟ خب، ما قصد

داریم کمی از این بخش‌ها را به صورت بصری بررسی کنیم تا شما تصویری از ظاهر واقعی برخی از این موارد داشته باشید.

دشت ساحلی. همانطور که می‌دانید، اینجا شهر اشکلون است که یکی از شهرهای اصلی فلسطین بوده است. در واقع، امروز روز استقلال است، بنابراین اگر خیلی دقت کنید، احتمالاً نزدیک به یک میلیون ماشین را می‌بینید که آنجا پارک شده‌اند.

اما اینجا شما حس مسطح بودن، دریای مدیترانه، تپه‌های شنی ساحلی و بقایای یک شهر بسیار بزرگ را در آنجا حس می‌کنید. به سمت شرق حرکت می‌کنیم. امیدوارم چیزهایی را که سعی کردم به طور شفاهی به آنها اشاره کنم، ببینید.

حالا، بیایید از نظر بصری هم به آنها نگاه کنیم. اینجا داریم دربار تپه‌های کم ارتفاع، تپه‌های کم شیب صحبت می‌کنیم. پس شفله، زمین‌های پست، کوهپایه‌ها

درست همونجا جا همیشه. اینجا اتفاقاً دره الا هست. اونجا مار هست.

این دره‌ای است که به سمت بالا می‌رود، و همیشه با یک دیش ماهواره‌ای زیبا مشخص شده است. دره الا جایی است که وقتی داوود و جالوت را می‌سازیم، حتماً از آن بازدید خواهیم کرد. خوب، وقتی داستان داوود و جالوت را می‌سازیم، قرار است اینجا اتفاق بیفتد.

دوباره این عکس را خواهید دید. خیلی عقب‌تر، از غرب به شرق نگاه می‌کنیم، و تپه‌های جودین آنجا هستند. این خط الراس تمام آن گستره‌ی طولانی تپه‌های جودین است.

و حالا ما در واقع در منطقه تپه‌ای هستیم. می‌خواهم سه چیز را ببینید. به همین دلیل است که سه عکس وجود دارد.

اول از همه، توجه کنید که برخلاف دشت ساحلی و برخلاف شفله، تپه‌های نسبتاً شیب‌داری داریم. در واقع، آنقدر شیب‌دار است که در سایه قرار دارد. حیف که این چراغ‌های روشن را روشن گذاشته‌ایم.

شکل هستند. وقتی به مناطق تپه‌ای فکر می‌کنید، آن را به V کمی بهتر می‌شد دید. اما اینها دره‌های شیب‌دار. عنوان جایی دورافتاده، غیرقابل دسترس و محافظت‌شده در نظر بگیرید.

مردمی که در شمال نیوهمپشایر در کوهستان زندگی می‌کنند، محیط زیست بسیار محافظت‌شده‌تری دارند. هیچ‌کس قرار نیست به آنجا لشکرکشی کند و شهرها را تصرف کند، درست است؟ و قرار است انواع کوچک‌تری از تأسیسات و شهرها و روستاها در آنجا وجود داشته باشند. بنابراین این اولین چیزی است که باید به آن توجه کرد.

این منطقه کوهستانی قرار است یک منطقه حفاظت‌شده شود. نکته دومی که می‌خواهم به آن توجه کنید این است که در این تصویر، که کمی بعد به آن برمی‌گردیم، یک جاده مدرن را می‌بینید که از اینجا می‌گذرد، و جالب اینجاست که جاده مدرن تقریباً از جایی که جاده باستانی می‌رفته، پیروی می‌کند، زیرا سعی می‌کند به بالای خط الراس نزدیک شود و تا حد امکان جهت و مسیر را هموار نگه دارد. در کنار آن، به دو نکته توجه کنید.

به رنگ خاک توجه کنید. یه جورایی قرمزه، مگه نه؟ خاک اینجا، وقتی از پایه سنگ آهک فرسایش پیدا. خاک قرمز، terra rosa می‌کنه، فوق‌العاده حاصلخیزه. بهش میگن

و وقتی باران می بارد، فوق العاده پربار می شود. خرما، انجیر، انگور، زیتون، از جمله مواد مهم برای رژیم غذایی عهد عتیق. و باز هم، خداوند با باران برکت می دهد.

اینجا یک منطقه حاصلخیز است. خاک به ما کمک می کند. علاوه بر این، تراکتورها و تجهیزات بزرگ را اینجا نمی آوری چون اینجا زمین های کوچکی است.

سنگ آهک، دوباره، سنگ بستر، در این منطقه به گونه ای ساختار یافته است که به طور طبیعی تراس بندی می شود. همانطور که فرسایش می یابد، تراس های دارای که تراس های افقی هستند، مانند این، که مردم می توانند از طریق آنها بیایند، سنگ ها را از خاک پاک کنند، به ساخت تراس ها کمک کنند، و بنابراین قطعات کوچک زیبایی از خاک و زمین برای کشت و زرع داشته باشند، که بدیهی است در آن زمان، برای صدها و صدها و صدها سال ادامه داشته است. بسیار خوب، حالا ما همچنین می خواهیم به یک چیز دیگر توجه کنیم.

این منطقه کوهستانی یهودا است که ما اینجا به آن نگاه می کردیم. اینجا منطقه کوهستانی بنیامین است. من فقط برای هدف خودمان این را می گویم.

این شهر جبعون است. و جبعون در منطقه ای واقع شده است که ما نوعی فلات در اطراف آن داریم. به آن توجه کنید زیرا این موضوع از نظر استراتژی نظامی بسیار مهم خواهد بود، زمانی که ما نه تنها در مورد فتح سرزمین، بلکه در مورد چگونگی شکل گیری تاریخ اسرائیل برای صدها سال صحبت می کنیم.

خب، فکر می کنم آن سه تصویر، به هر حال، یک برش کوچک از منطقه ی تپه ای را به ما نشان می دهند. بیایید به سمت شرق برویم. اینجا طبیعت بکر است.

خیلی خب، دوباره سایه باران. در آن دامنه غربی که تازه دیدیم، همه چیز سرسبز است. خاک عالی است. باران دارد، عالی.

اینجا شما در سایه باران هستید. بدیهی است که می توانید تکه های کوچکی از پوشش گیاهی را در آنجا ببینید، اما مقدار زیادی از آن وجود ندارد. وقتی به این تصویر فکر می کنیم، دو چیز باید در نظر گرفته شود.

خب، بگذارید از شما پرسیم، وقتی به بیابان نگاه می کنید چه چیزی به ذهنتان می رسد؟ آیا روایتی از کتاب مقدس به ذهنتان می رسد؟ دوباره بگویید. من هنوز حرف شما را نشنیدم، لاک. یحیی تعمید دهنده، خوب منجر به غسل تعمید و سپس وسوسه عیسی می شود، درست است؟ احتمالاً این اولین روایتی است که به ذهن ما می رسد.

اما بگذارید فقط یک ارتباط سریع برقرار کنم. عیسی، در کنار القاب دیگری که دارد، پسر داوود است. خود داوود زمان نسبتاً زیادی را اینجا در بیابان می گذراند، مخصوصاً وقتی که از دست شائول فرار می کند.

این منطقه ای است که او مدتی را در آن می گذراند، نه دقیقاً همینجا، بلکه در همان نوع منطقه ای عمومی بنابراین، داوود وقت خود را در آنجا می گذراند. عیسی قرار است در بیابان باشد، زمانی که او به عنوان پسر داوود با وسوسه دست و پنجه نرم می کند.

خب، حرکت به سمت شرق کمی به ما این حس را می دهد که از بالای شکاف به پایین، جایی که دریای نمک قرار دارد، نگاه کنیم. اگر می خواهید کمی فاصله و پرسپکتیو را حس کنید، این نصف یک اتوبوس تور تمام قد

است. باشه؟ و بعد اریحا را هم می بینیم، که البته یک شهر بزرگ است، درست در شمال انتهای شمالی دریای نمک یا دریای مرده.

آنجا اریحای امروزی است. این محل اریحا در عهد عتیق است که قرار است درباره آن کلی حرف بزنیم. این چیزی است که دیگر وجود ندارد.

این یک اردوگاه پناهندگان بود که زمانی که اردن این منطقه را کنترل می کرد، تأسیس شد و پناهندگان فلسطینی در آن زمان آنجا بودند. اسرائیل از آن زمان این کار را لغو کرده است. همانطور که می دانید، اگر اوضاع سیاسی را دنبال کنید، اینها مسائل بسیار بسیار دشواری از نظر محل زندگی فلسطینی ها، حق بازگشت و همه این نوع مسائل هستند.

فقط یک نگاه سریع دیگر به دره اردن، که کمی به سمت شمال می رود. باران می بارد. اینجا بهار است.

توجه کنید که در مقایسه با برخی از چیزهای دیگری که دیده ایم، چقدر چیزهای سبز هستند. و ضمناً، یکی از دلایلی که من این را می گویم این است که در دره اردن باران زیادی نمی بارد، اما آنها آبیاری می کنند. و ابرهای شما در واقع دوباره جمع می شوند، و جالب اینجاست که در خود ماوراء اردن باران می بارد.

خب، خیلی سریع ازش گذشتم. باید به گشت سریع تو ترانس اردن بزنیم، نه به خاطر اینکه چیزی تو عهد عتیق بهش ربط داره، اما خب، اگه ایندیانا جونز رو دیده باشید، پترا مهمه. ایندیانا جونز رو می بینید؟ از طرفدارای قدیمی سینما هستید؟ خب، این صحنه رو می شناسید.

برای اهداف من، فقط چند نکته قابل ذکر است. این شهری است که توسط مردمی به نام نبطی ها ساخته شده است که حدود ۳۱۲ سال قبل از میلاد مسیح این منطقه را تصرف کردند و احتمالاً این شهر را به عنوان مرکزی برای تجارت ادویه ساخته اند. در مورد چگونگی عملکرد دقیق این موضوع بحث هایی وجود دارد.

کلی چیز هست که می تونیم در مورد شهر سرخ بگیم. امیدوارم بری اونجا و بهش سفر کنی. پاورقی، روی میز تحریرم.

به سال ۲۰۱۰ فکر کنید. اگر خدا بخواهد، گوردون قرار است گروهی از دانش آموزان را نه تنها به مدت سه هفته در اسرائیل، بلکه به مدت دو هفته نیز در اردن ببرد. پس این موضوع را به تعویق بیندازید و شروع به پس انداز پول هایتان کنید.

یکی از دلایلی که این را گفتم این بود که در آنجا کمی کوتاهی کردم. یکی از دلایلی که این را نشان می دهم این است که توجه داشته باشم که این منطقه، درست در اطراف پترا، چقدر ناهموار است. می توانید پیاده روی کنید و این چیز خاص به نام صومعه را ببینید.

دلایل زیادی وجود دارد که می توانید بیشتر در مورد آن صحبت کنید. اما چیزی که می خواهم ببینید، ناهمواری این منطقه است زیرا این منطقه ای است که ادومی ها در آن ساکن شدند. و پیامبر عوبدیا، در یک فصل کوتاه، چیزهایی در مورد ادومی هایی که فکر می کنند در شکاف های صخره خود بسیار امن هستند، می گوید.

خب، می دونی چیه؟ نوبت اونا هم می رسه. وقتی در مورد عوبدیا صحبت کردیم، دوباره به این عکس ها نگاه می کنیم. به نکته ی کوچیک دیگه.

درست اون بالا، این نقطه سفید کوچولو رو می بینی؟ اون مقبره سنتی هارونه. باز هم، سنت‌ها یه جورایی بامزه‌ان. می‌دونی، مردم این چیزا رو می‌ذارن

یه جورایی یه مسجد کوچیک اونجا هست. من و پری حدود چهار سال پیش تا اونجا پیاده رفتیم. حدود هشت ساعت طول کشید تا بریم و برگردیم.

اما از آنجا، بلندترین نقطه آنجاست. به آن جبل هارون، کوه هارون می‌گویند. و از آنجا می‌توانید کاملاً حس کنید که کل این منطقه چقدر متروک و ناهموار است.

جبل هارون، پترا. اما از اینجا که بگذریم، نگاهی گذرا به صحرای نقب می‌اندازیم. بله، عقرب‌ها

خداوند در تثنیه ۸ در مورد آنها چیزی برای گفتن دارد. آیا این را می‌دانید؟ آنجا که می‌گوید، من شما را در آن بیابان وسیع و وحشتناک با افعی‌ها و عقرب‌هایش هدایت کردم. هر بار که سنگی را در بعضی جاها برمی‌گردانید، یکی از آنها را پیدا می‌کنید. خب، با حرکت از جنوب به شمال، این تضاد را در نظر داشته باشید زیرا تصادفی نیست که برخی از قبایلی که در جنوب دورتر ساکن شدند، ممکن است با چشمانی مشتاق به سمت شمال نگاه می‌کردند.

قابل توجه است که یکی از آنها قبیله دان نام دارد که بخشی از آنها در واقع به شمال مهاجرت کردند زیرا مجذوب زیبایی آنجا شده بودند. در اینجا دریای جلیل، آب را داریم. در اینجا کوه هرمون را در یک روز فوق‌العاده صاف داریم.

دیدن آن از آن فاصله همیشه آنقدر واضح نیست. دن در دامنه کوه هرمون واقع شده است، بنابراین بدیهی است که منبع آب فراوانی وجود خواهد داشت. در واقع، شما آن را همین جا خواهید دید.

سرچشمه‌های رود اردن. چهار سرچشمه به رود اردن منتهی می‌شود، اما یکی از اصلی‌ترین آنها چشمه کارستی در دن است که صدها هزار گالن در ثانیه آب پمپاژ می‌کند. بنابراین، سرچشمه‌های دن به شرح زیر است.

وقتی درباره اسکان قبایل و مهاجرت قبیله دن و غیره صحبت کنیم، حرف‌های زیادی برای گفتن خواهیم داشت. اما هنوز کارهای بیشتری برای انجام دادن داریم. به شما گفته بودم که به این خطوط سبز برمی‌گردیم.

اول از همه، چند نکته که از نظر سفر و ارتباطات مهم هستند، چه سفر نظامی باشد و چه سفر تجاری. شما باید آب کافی داشته باشید. منابع آب باید به طور مناسب در آنجا وجود داشته باشند و چند رودخانه کوچک وجود دارد که از این تپه‌ها جاری می‌شوند.

همانطور که انتظار می‌رود، اگر در دامنه‌های غربی تپه‌ها باران ببارد، رودخانه‌های کوچکی از غرب، به سمت غرب و به سمت دریا جاری خواهند شد. همچنین به ناهمواری‌های زمین نیاز دارید. البته در مورد این موضوع و موانع تپه‌های شنی و همه این چیزها حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد، اما روی هم رفته، دشت ساحلی منطقه‌ای خواهد بود که مسیر اصلی شما از آن عبور خواهد کرد.

خب، بزرگراه ساحلی بین‌المللی با این خط سبز نشان داده شده است. در واقع، این بزرگراه از شمال شبه جزیره سینا به سمت مصر امتداد می‌یابد. همینطور که در بزرگراه ساحلی بین‌المللی به سمت شمال حرکت می‌کنیم، همه چیز خوب است تا اینکه به اینجا می‌رسیم.

و بعد باید بگویید، اوه، رفیق، چطور می‌توانم از کوه کرمل عبور کنم؟ و در موردش صحبت خواهیم کرد. چند راه برای عبور یا عبور از کوه کرمل وجود دارد. و بعد، اگر می‌خواهید به صور و صیدا بروید، از این مسیر بالا خواهید رفت.

اما مسیر اصلی شما در واقع به سمت شرق ادامه دارد، چون اینجا چه کسی است؟ خب، همه در بین‌النهرین هستند. و بنابراین بیشتر سفرهایی که می‌خواهند از بین‌النهرین به مصر یا برعکس بروند، از طریق دمشق درست خارج از نقشه ما، و دقیقاً همینطور می‌آیند. و این تقریباً همان است.

با این حال، در ماوراء اردن، ما یک مسیر اصلی هم داریم. قرار است از اینجا جدا شود و مستقیماً به سمت جنوب بیاید. بخش‌هایی از آن در اینجا، در متن کتاب مقدس، بزرگراه پادشاه نامیده می‌شود.

فصل ۲۱ سفر اعداد به بزرگراه پادشاه اشاره می‌کند. وقتی به آن بخش از کتاب مقدس برسیم، کمی بیشتر آن را مطالعه خواهیم کرد. حال، این مسیر پیچیدگی‌های بیشتری دارد، که همان بزرگراه ماوراء اردن است.

در واقع دو شاخه دارد، اما فعلاً نگران آنها نباشید. فعلاً نگران آنها نباشید. فقط می‌خواهیم توجه داشته باشیم که ما یک مسیر اصلی شمال-جنوب داریم که مربوط به تجارت ادویه است و بعداً در مورد آن بیشتر خواهیم گفت.

اتصال این دو، یک مسیر اصلی مهم درست از اینجا است. دوباره، به آن برمی‌گردیم، اما الان از آن غافل نشوید. توجه داشته باشید که راه‌های اصلی برای رسیدن از این مسیر بین‌المللی به این مسیر بین‌المللی وجود خواهد داشت.

سفر داخلی. فرض کنید شما یک پاتریارخ هستید. فرض کنید شما ابراهیم هستید.

فرض کنید تازه به آن سرزمین آمده‌اید، و ناگهان به شکیم یا شکیم می‌رسید، و خداوند شما را هدایت می‌کند. به بتل می‌روید. اشکالی ندارد، تقریباً همانجا.

از سالیم عبور کن. هنوز اورشلیم نشده. به حبرون برو، و به بئر‌شبع برو.

شما در مسیری هستید که به آن راه پدرسالاران می‌گویند. این همان عکسی است که به شما نشان دادم از تراس‌هایی که جاده مدرن در امتداد آن قرار دارد. این تقریباً در امتداد راه پدرسالاران است و به همین نام شناخته می‌شود، اما مسیر خط الراس را نیز دنبال می‌کند زیرا درست در امتداد بالای خط الراس قرار دارد.

آیا این منطقی است؟ می‌دانم که امروز خیلی تند می‌روم. آیا اوضاع خوب است؟ اوضاع خوب است. بسیار خب، چند نکته را باید در مورد تجارت و بازرگانی که در این منطقه در جریان است، بگوییم.

دوباره، زمین بین، پل زمینی، این مفهوم را همیشه در ذهن داشته باشید. بدیهی است که، درست مانند کشور ما، چه ساحل غربی باشید و چه ساحل شرقی، بزرگترین جوامع، بین‌المللی‌ترین جوامع، مراکز فرهنگی شما احتمالاً، در اطراف مسیرهای اصلی سفر، چه نظامی و چه تجاری، ساخته شده‌اند. و بدیهی است که ارتش همیشه پرچم‌های قرمز و تهدیدها را در دست خواهد داشت.

به خصوص در مورد بزرگراه ماوراء اردن و برخی از ارتباطاتی که از صحرای نقب و سرزمین‌های بین آن عبور می‌کنند و من به آنها اشاره نکرده‌ام، مسئله اصلی ما تجارت ادویه خواهد بود. ما تمایل داریم ادویه‌ها را به

،عنوان چیزهای کوچک دوست داشتنی که روی قفسه ما قرار می گیرند و خوردن غذای ما را لذت بخش می کنند، در نظر بگیریم. ادویه ها در دوران باستان اهمیت بسیار عمیق تری داشته اند.

،اول از همه، همانطور که مطمئنم اگر به سخنرانی ها یا موعظه های در این مورد گوش داده باشید، می دانید آنها مواد نگهدارنده هستند. آنها برای کل حوزه مصرف غذا و نگهداری غذا بسیار مهم هستند. اما ثانیاً، به همان اندازه مهم، آنها در آیین ها، مراسم مذهبی، مراسم تشییع جنازه و به همین ترتیب به عنوان ماده نگهدارنده نیز استفاده می شدند.

بنابراین، این را به عنوان فرهنگی در نظر بگیرید که با آداب و رسوم مذهبی و مناسک مذهبی آنها بسیار عجین شده است. ادویه ها، کندر، همه این چیزها نقش عمده ای در آن ایفا خواهند کرد. خب، بدیهی است همانطور که قبلاً گفتم، دریا مسیر اصلی تردد ما نیست، بنابراین همانطور که اشاره کردم، شتر به کشتی صحرا تبدیل می شود.

حرف های زیادی در مورد شترها هست. آنها کاملاً برای سفر در بیابان ها طراحی شده اند. الان بیشتر از این در موردشان نمی گویم.

محصول زمین نیز برای ما به طرز وحشتناکی مهم است، و فکر می کنم شما همه این ها را از نظر آنچه در سایت تخته سیاه قرار داده ام، دریافته اید، بنابراین بارها و بارها به سرعت آن را در کتاب مقدس مرور خواهیم کرد، و اگر امروز صبح وقت نداریم تثنیه ۱۱ را بخوانیم، برویم و آن را بخوانیم زیرا مهم خواهد بود. شما غله، شراب تازه و روغن وعده داده شده توسط خدا را می بینید.

جالب اینجاست که غله، کلمه عبری برای نان، «لِجِم» است که اغلب به عنوان غذا ترجمه می شود زیرا بخش بزرگی از آنچه مردم می خوردند را تشکیل می دهد. تخمین زده می شود که یک نفر روزانه حدود نیم کیلو غله مصرف می کرده است. همچنین تخمین زده می شود که از زمانی که زنان غلات را آسیاب می کردند، حدود سه ساعت طول می کشید تا غذای کافی برای یک خانواده با جمعیت معمولی را تهیه کنند.

،خب، یکی از آن آسیاب های دستی. خب، وقتی در امثال از آسیاب کردن غلات صحبت می شود، می دانید - وقتی در مورد زنی که با ایمان غلات را آسیاب می کند صحبت می شود، او زمان زیادی را صرف این کار می کند. سه ساعت برای تأمین معاش یک خانواده معمولی.

،شراب هم مهم بود، و دلایلش را هم ذکر می کنم. تصفیه کننده آب، آهن، و رژیم غذایی. روغن زیتون، خب، زیتون نوعی درخت شگفت انگیز خاور نزدیک باستان در منطقه مدیترانه بود زیرا برای چیزهای بسیار بسیار متفاوتی استفاده می شد.

ما قبلاً به مسح کردن، به عنوان اهداف مذهبی اشاره کردیم. همچنین، به عنوان مرهم برای پوست، اهداف دارویی، غذایی، سوختی و حیوانات نیز تفاله آن را می خوردند. کتاب مقدس همچنین از گله های بزرگ گاو، به ویژه در منطقه شمال و شرق دریای جلیل، یاد می کند.

ما اکنون آن را به عنوان بلندی های جولان می شناسیم. و به دلیل کمبود وقت، قصد ندارم زیاد در مورد آنچه که برای درختان اتفاق افتاده صحبت کنم. آنها در حال جنگل کاری مجدد هستند، اما قرن ها بود که به طرز غم انگیزی تقریباً از بین رفته بودند.

،خب، این واقعاً یک منطقه حاشیه ای است، و من می خواهم به تثنیه باب ۱۱ پردازم، که امروز را با آن به پایان می رسانیم. من در پایان این سخنرانی چند نمودار کوچک در مورد مردمان تاریخی اطراف به شما داده ام،

اما در مورد آنها صحبت کرده‌ام. شما می‌توانید تا حدودی آنها را بفهمید، اما بیایید نگاهی سریع به تثنیه باب بیندازیم، و همانطور که گفتم، با این موضوع به پایان می‌رسانیم ۱۱

از آیه ۱۰ به بعد، سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، مانند سرزمین مصر که از آن آمده‌اید، نیست جایی که بذر خود را کاشتید و با پای خود آن را آبیاری کردید. می‌دانید، آنها کانال‌های کوچکی داشتند، و کانال‌ها، کانال‌های آبیاری در امتداد نیل بودند. آنها را با یک پل گلی کوچک ببندید و با پای خود آنها را باز کنید.

سرزمینی که برای تصرف آن از اردن عبور می‌کنید، سرزمینی پر از کوه‌ها و دره‌ها است. حالا از آن عکسی دارید؟ سرزمین کوه‌ها و دره‌ها. نوشیدنی‌ها از آسمان می‌بارند.

این سرزمینی است که خداوند، خدای شما، از آن مراقبت می‌کند. چشمان خداوند، خدای شما، از آغاز سال تا پایان آن، پیوسته بر آن است. حالا، نکات اصلی از اینجا شروع می‌شود.

اگر با ایمان از دستوراتی که امروز به شما می‌دهم اطاعت کنید، یعنی خداوند، خدای خود را دوست داشته باشید و با تمام قلب و جان خود به او خدمت کنید، آنگاه باران را در فصل خودش، چه باران پاییزی و چه باران بهاری، بر زمین شما خواهم فرستاد. به عبارت دیگر، باران‌های اولیه برای شخم زدن زمین خشک تا بتوانند بذر را بکارند، و سپس باران‌های آخر برای تقویت کمی آن محصولات تا در زمان برداشت، به خوبی رشد کنند. اینها وعده‌های خدا هستند.

تا تو بتوانی در غله خود شراب و روغن تازه جمع کنی. من در مزارع برای گاوهای علف فراهم خواهم کرد. تو خورده خواهی شد و سیر خواهی شد.

و سپس آیه ۱۶، مراقب باشید، وگرنه فریب خواهید خورد و از خدایان دیگر روی خواهید گرداند و آنها را پرستش خواهید کرد و در برابرشان سجده خواهید نمود. آنگاه خشم خداوند بر شما شعله‌ور خواهد شد و آسمان را خواهد بست تا باران نبارد و زمین محصولی ندهد و شما به زودی از سرزمین خوبی که خداوند به شما داده است، هلاک خواهید شد. وقتی شروع به صحبت در مورد ابراهیم کنیم، در مورد معنای اصطلاحی به نام اعطای زمین، حرف‌های زیادی برای گفتن خواهیم داشت.

اما فعلاً فکر می‌کنم باید متوقف شویم. پس شب‌ها شالوم. بقیه این نمودارها را در انتها بخوانید.

فقط گروه‌هایی که اونجا هستن رو بشناس. خیلی رک و راست هستن. و ممنون که با من موندی.

در عرض یک ساعت، ما این کار را انجام داده‌ایم.